یادداشت میهمان

شهاب‌الدین عالمی - پژوهشگر و مدرس دانشگاه

تئوریزه شدن استحاله فرهنگی، چگونه؟

جنگ امروز اگرچه در ظاهر با توپ و تفنگ معنا می‌شود، اما در عمق خود، بر سر «انسان» می‌ایستد؛ بر سر جان جوان مسلمان، بر سر زبان فهم و معیار تشخیص. دشمن دیر می‌زند به قلب میدان؛ نخست، به سنگر معرفت می‌زند؛ و آن‌گاه که ذهن را عوض کرد، دیگر فرمان میدان هم آسان می‌شود. در این میان، کتاب درسی که قرار بود ابزار فهم باشد عملاً به ابزار جهت‌دهی به «هویت» بدل می‌گردد. از همین‌رو، وقتی به گزارش بررسی کتاب‌های درسی عربستان سعودی ۲۰۲۴-۲۰۲۶ مؤسسه «پایش صلح و مدارا فرهنگی در آموزش مدارس» (IMPACT-se) می‌نگریم، با یک ادعا روبه‌رو نمی‌شویم؛ با یک «پروژه» روبه‌رو می‌شویم. پروژه‌ای که می‌خواهد از راه بازنویسی روایت‌ها و جابه‌جایی مفاهیم، به جای تربیت فهم مقاوم، سازوکار نفوذ را در لایه‌های اجتماعی تثبیت کند. در بیان امام مجاهد شهید حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (قدس‌الله‌نفسه‌الزکیه)، نفوذ صرفاً حضور فیزیکی نیست؛ نفوذ یعنی تغییر آرام جهت حرکت جامعه، تا آن‌جا که آدمی خود، بی‌اختیار، مسیر دیگری را طبیعی بپندارد. این همان نقطه‌ای است که کتب درسی می‌تواند به آن برسد: حذف زمینه‌ها، تغییر زبان تحلیل، و عوض کردن حساسیت اخلاقی و سیاسی نسل آینده. این به‌ظاهر ساده‌ترین ابزار تعلیم، در حقیقت نقشه راهی است برای «ساختن جهان» در ذهن دانش‌آموز. وقتی صحبت از محتوای کتاب‌های درسی می‌شود، در واقع صحبت از طراحی دستگاه معنایی یک نسل و بازتولید هویتی است که یا ریشه در اعماق فرهنگ و ایمان دارد یا چون برگی بی‌ریشه، به هر بادی می‌لرزد.

ضربه به توان ایستادن؛ تخلیه هویتی از کتب درسی:

گزارش جدید نهاد IMPACT-se از اصلاحات کتب درسی عربستان سعودی در سال‌های ۲۰۲۴ تا ۲۰۲۶، روایتی ظاهری از «گذار به مدارا» ارائه می‌دهد. در این روایت، از حذف مفاهیم یهودی‌ستیز و مسیحی‌ستیز سخن می‌رود، از جایگزینی «دشمن صهیونیست» با «اشغالگر اسرائیلی»، از کمرنگ شدن مفاهیم «جهاد» و «شهادت» و از تقویت پیام‌های هم‌زیستی و برابری جنسیتی. اما آنچه در ظاهر «صلح» و «اعتدال» خوانده می‌شود، در باطن فرایندی است که بر پایه استانداردهای بیرونی و فراملی - یعنی همان معیارهایی که در سند ۲۰۳۰ یونسکو و سازمان ملل تدوین شده - بنا گردیده است. اینجا پای یک «مهندسی هویت» در میان است، نه یک اصلاح آموزشی ساده. آنجایی که باید جایگاه مقاومت، عدالت‌خواهی و صریح‌گویی دینی پررنگ باشد، به تدریج رنگ می‌بازد. این، همان منطق استحاله است: نه حذف ناگهانی ایمان، بلکه تغییر تدریجی ادراک. استحاله، یعنی کاری کنیم که جوان امروز، ظلم را دیرتر بفهمد، حق را آرام‌تر طلب کند، و در برابر تهاجم فکری یا فرهنگی کمتر احساس خطر کند. امام شهید انقلاب اسلامی بارها بر این نکته تأکید کرده‌اند که دشمن، دنبال شکست فوری نیست، دنبال عوض کردن محاسبات است؛ دنبال آن است که آدمی در تشخیص حق و باطل، دچار خطا یا تردید دائمی شود.

بازسازی چشم دشمن‌شناسی؛ عادی‌سازی استعمار:

دومین مرحله، بازسازی «دشمن‌شناسی» است. گزارش مؤسسه پایش صلح و مدارا فرهنگی در آموزش مدارس وقتی به اصلاحات و تغییرات محتوایی در مسیر آموزش اشاره می‌کند، در واقع از جایی حرف می‌زند که در آن باید روش مواجهه با جهان بیرون به دانش‌آموز منتقل شود. اگر دشمن در روایت‌های رسمی یا کمرنگ شود یا به شکلی بازتعریف گردد، مرز ذهنی ملت هم تغییر می‌کند. شناخت دشمن شرط بقاست، چون تا دشمن شناخته نشود، مقابله هم شکل نمی‌گیرد. بنابراین هرگونه تعدیل یا تغییر روایت تقابل اگر به نام «آرام‌سازی» صورت بگیرد، در حقیقت می‌تواند به معنای مهندسی پذیرش وضع موجود باشد. وقتی روایت خطر کاسته می‌شود، ذهن نسل جدید به جای آمادگی برای دفاع، در برابر نفوذ - بی‌آنکه بفهمد - انعطاف نشان می‌دهد.

تله مدارای منفعل؛ سازش به جای حق:

سومین بخش ماجرا، بازی واژه‌هاست: «صلح»، «مدارا»، «آرامش». کسی نمی‌گوید صلح بد است، اما میان «صلح حق» و «سازش نفوذ» فاصله است. آنچه خطرناک می‌شود، آنجایی است که مدارا از حالت اخلاقی دفاع از کرامت انسان خارج می‌شود و به ابزار خاموش کردن حساسیت عدالت‌خواهانه تبدیل می‌گردد. گزارش IMPACT-se، در نام خود هم نشانه دارد: پایش مدارا فرهنگی در آموزش، اما مدارا وقتی معنا پیدا می‌کند که از درون ایمان و حق‌محوری باشد، نه از بیرون و برای تغییر نظام ارزشی. امام مجاهد شهید در توصیه‌هایشان، نسبت به «استحاله فرهنگی» هشدار می‌دهند که دشمن می‌کوشد با تغییر نرم فرهنگ، انسان را به نسخه‌ای بی‌دفاع از ارزش‌ها تبدیل کند. این دقیقاً همان خطر «مدارای منفعل» است؛ مدارا در جایی که باید ایستاد، نه برای مصالحه، بلکه برای عقب‌نشینی تدریجی.

هویت مقاوم؛ از شکست الگوی غرب‌زدگی تا پیروزی اصالت:

اصلاحات آموزشی در عربستان سعودی اگر به حذف زمینه‌های مقاومت، بازسازی دشمن‌شناسی و جاگذاری مفاهیم بی‌اثرکننده حس دفاع از حق منجر شود، دقیقاً مصداق پروژه استحاله فرهنگی است. این همان مسیری است که قدرت‌های استکبار همواره در پی گشودن آن برای جوامع اسلامی بوده‌اند؛ مسیری که در آن، «تغییر نرم» جایگزین «فتح سخت» می‌شود. باید دانست که غرب، سال‌ها تلاش کرد تا الگوی «تخلیه هویت» و «بازسازی ذهن بر مدار ارزش‌های خود» را برای ایران اسلامی نیز اجرا کند؛ آنها می‌خواستند از طریق کتب درسی، رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی، ایران را به نسخه‌ای بی‌دفاع و بی‌هویت تبدیل کنند؛ همان‌گونه که اکنون در پی بازسازی هویت عربستان هستند، اما با دیواری از «بصیرت» روبه‌رو شدند. ایران، با تکیه بر همان سنت «مقاومت» که در بیانات رهبر شهید انقلاب اسلامی ریشه‌دار است، نشان داد که می‌توان بدون از دست دادن اصالت، با جهان مدرن تعامل کرد، اما بدون فروختن ارزش‌ها.

آنها در ایران شکست خوردند، چون ایران «هویت از دست رفته» نداشت که با نفوذ بتواند آن را بازسازی کند؛ ایران هویت «زنده و در حال رشد» دارد. بنابراین، این مسیر استحاله که امروز در کشورهای همسایه با قلم و کتاب اجرا می‌شود، برای ایران نه یک تهدید جدید، بلکه یک درس تاریخی است؛ برای آنکه نفوذ، به استحاله بدل نشود باید «سنگرهای معرفت» را با حقیقت اصیل، از نو بنا کرد. پیروزی در این نبرد، در گرو آن است که دانش‌آموز امروز، نه تنها «دانشمند»، بلکه «بصیر» باشد؛ کسی که می‌تواند میان «مدارای اخلاقی» و «سازش هویت‌زدا»، مرز دقیق حق را بازشناسد.

گزیده خبر

دستگیری «عامل نفوذی» در تهران

شناسایی و دستگیری فردی که با جمع‌آوری تصاویر و مختصات برخی نقاط راهبردی و امنیتی، درصدد ارسال این اطلاعات برای گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی بود، بار دیگر ابعاد تلاش شبکه‌های معاند برای جمع‌آوری اطلاعات حساس از داخل کشور را آشکار کرد؛ پرونده‌ای که با رصد اطلاعاتی و سایبری پلیس پایتخت به دستگیری متهم و تحویل او به دستگاه قضایی انجامید.

به گزارش فارس، مرکز اطلاع‌رسانی پلیس پایتخت از شناسایی و دستگیری فردی خبر می‌دهد که اقدام به جمع‌آوری و ارسال تصاویر و مختصات برخی نقاط راهبردی و امنیتی کشور برای گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی می‌کرد. روز دوشنبه هم شبکه‌ای که با سوءاستفاده از تجهیزات ماهواره‌ای «استارلینگ» اقدام به ایجاد بستر ارتباطی غیرمجاز و انتقال اطلاعات طبقه‌بندی شده می‌کرد، شناسایی و جمع‌آوری و متهم اصلی هم دستگیر شد. در این پرونده، متهم با استفاده از ابزارهای سایبری اقدام به جمع‌آوری داده‌ها، تصاویر و مختصات برخی نقاط مهم کرده و قصد ارسال این اطلاعات به گروه‌های مخالف را داشته که کارشناسان سایبری و اطلاعاتی پلیس با رصد و پایش فعالیت‌های این فرد در نهایت موفق به شناسایی وی شده و پس از تکمیل مستندات و ادله دیجیتال، در عملیاتی در مخفیگاه خود دستگیر و به مقر پلیس منتقل شد. بنا بر اعلام پلیس، متهم در تحقیقات اولیه به اتهامات انتسابی و ارتباط با گروه‌های مخالف اعتراف کرده و پرونده وی پس از تفهیم اتهامات از جمله «اقدام علیه امنیت ملی» برای رسیدگی قانونی به مرجع قضایی ارسال و متهم با قرار قانونی تحویل دستگاه قضایی شد.

تحلیل

فاطمه بصیری

نمایی از پرنده‌های ساقط شده دشمن

مهندسی معکوس جنگی که پس از پایان نبرد آغاز می‌شود

یکی از ارکان اصلی صنایع دفاعی کشور که نقش تعیین‌کننده در محاسبات و طراحی نقشه جنگ دشمن داشته، توانمندی منحصربه‌فرد ایران در مهندسی معکوس تسلیحات نظامی است.

توانایی مهندسی معکوس و تولید سلاح‌های پیشرفته به یکی از عوامل بازدارنده در جنگ‌ها تبدیل شده است، زیرا امریکا و رژیم صهیونیستی و حتی اعضای ناتو بارها در مورد اینکه چگونگی ساخت سلاح‌های پیشرفته‌شان توسط ایران شناسایی شده و قابلیت تولید پیدا کنند هراس داشتند. از این‌رو، مهندسی معکوس هم در معادلات جنگ دشمنان و هم در تعیین قدرت دفاعی ایران اهمیت راهبردی دارد. ایران در طول جنگ اخیر، توانسته تسلیحات عمل‌نکرده امریکا یا بقایای برخی از تجهیزات و سلاح‌ها را ضبط کند و آنها را در پروسه مهندسی معکوس قرار دهد. در این پروسه، شناسایی توانمندی‌های تسلیحاتی امریکا و استخراج دانش به‌کاررفته در این تسلیحات، می‌تواند منجر به تولید سلاح‌های پیشرفته‌تری از نمونه کشف شده باشند و رقیب اصلی آنها قلمداد شوند. علاوه بر آن، می‌تواند با دسترسی به اسرار مربوط به سیستم‌های هدایت، پارازیت و رادارگریزی صنایع نظامی امریکا، ترتیبات را برای مقابله با آنها طراحی کند. از این‌رو، ایران می‌تواند قابلیت دفاع در برابر آنها را برای خود ایجاد کند.

به گفته تحلیلگران سابق سازمان سیای امریکا، تهران در حال حاضر مشغول عملیات مهندسی معکوس روی موشک‌هایی مانند «تاماهاوک»، «پهپادهای ام‌کیو ۹ ریپر»، «موشک‌های Jassm» و «بمب‌های سنگرشکن GBU-57» است تا بتواند به نحوه تولید آنها یا توسعه جایگزین‌های داخلی دست پیدا کند. نگرانی دیگر این تحلیلگران احتمال دریافت پشتیبانی فنی ایران از سوی روسیه و چین و افشای اطلاعات این تسلیحات و نهایتاً کاهش توانایی تهاجمی امریکاست.

موشک‌های تاماهاوک که پایه حملات دوربرد امریکا محسوب می‌شوند، اکنون در دام مهندسی معکوس ایران افتاده‌اند. پیدا شدن چند نمونه از این موشک‌ها در دو درگیری اخیر، فرصت خوبی به کارشناسان ایرانی داده تا سیستم‌های پیچیده هدایت آنها را بررسی کنند. سپاه پاسداران تأیید کرده این مهمات را به واحدهای تخصصی فنی سپرده و گفته برخی از آنها به‌خاطر اختلال نرم‌افزاری ایجاد شده توسط پدافند ایران، تقریباً سالم در مناطق بیابانی فرود آمده‌اند.

نگرانی اصلی امریکا این نیست که ایران عین تاماهاوک را بسازد، بلکه این است که با ترکیب دانش داخلی و فناوری‌های به‌دست‌آمده از این موشک‌ها، کروزهای پیشرفته‌تر، دوربردتر و پنهان‌کارتر تولید کند. ایران قبلاً هم با مهندسی معکوس پهپادهایی مثل RQ-170 نشان داده در رمزگشایی فناوری‌های امریکایی مهارت بالایی دارد.

به‌طور کلی، مهندسی معکوس به عنوان یکی از اضلاع مهم در بازدارندگی و قدرت تهاجمی بسیار مورد توجه کشورهای متخاصم بوده است. به‌طوری که حتی مانعی برای آنها از استفاده از سلاح‌های پیشرفته یا حتی فروش آنها به دیگر کشورها شده و آن را در محدودیت قرار داده است. به‌طور نمونه، در زمان جنگ اوکراین، نتانیاهو اعلام کرد که تل‌آویو سامانه دفاع هوایی «گنبد آهنین» و برخی تسلیحات دیگر را در اختیار اوکراین قرار نمی‌دهد، زیرا ترس آن را دارد که این سامانه‌ها به دست ایرانی‌ها بیفتد و آنها مهندسی معکوس انجام دهند. در طول جنگ اوکراین منابع غربی مدعی بودند که روسیه برخی تسلیحات و تجهیزات امریکایی و ناتو را که در اوکراین به غنیمت گرفته شده، به ایران منتقل کرده است تا تهران از آنها برای مهندسی معکوس و توسعه سامانه‌های نظامی خود استفاده کند. آنها به این نکته معترف بودند که تهران توانایی و مهارت قابل توجهی در توسعه سامانه‌های بومی بر پایه تجهیزات امریکایی به دست آمده از خود نشان داده است. ایران پیش‌تر با مهندسی معکوس تجهیزات امریکایی، موشک ضدتانک طوفان را بر پایه موشک تاو توسعه داده و پس از رهگیری پهپاد امریکایی آرکیو-۱۷۰ سنتینل در سال ۲۰۱۱ نیز از فناوری آن برای ساخت پهپادهای بومی استفاده کرده است.

یکی دیگر از عوامل هراس و نگرانی امریکا از مهندسی معکوس، اشاعه و ترویج فناوری‌های نظامی میان دیگر کشورها همچون چین و روسیه و همچنین جبهه مقاومت است.

رویدادی که می‌تواند تهدیدات موجود علیه امریکا را در سراسر منطقه و در میان رقبای این کشور تشدید کرده و هم‌زمان توان تهاجمی آن را کاهش دهد. به‌ویژه در شرایطی که قدرت نظامی، مهم‌ترین پشتوانه حفظ هژمونی امریکا محسوب می‌شود.

جاناتان لرد، کارشناس ارشد مرکز امنیت جدید امریکا، با اشاره به سابقه ایران در مهندسی معکوس موشک تاو و تولید موشک طوفان، هشدار داد که تهران می‌تواند همین روند را درباره تسلیحات استینگر و جاولین نیز دنبال کند. به گفته او، چنین توانمندی در صورت انتقال به جبهه مقاومت می‌تواند هواگردهای نظامی و غیرنظامی منطقه و همچنین تانک‌های اسرائیلی از جمله مرکاوا را با تهدید جدی مواجه کند.

نتانیاهو پیش‌تر گفته بود که برخی از سلاح‌های غربی ارسال‌شده به اوکراین، در مرزهای اسرائیل مشاهده شده‌اند و به همین دلیل تل‌آویو از ارسال برخی تسلیحات به کی‌یف، به‌دلیل احتمال انتقال آنها به ایران خودداری می‌کند.

این واکنش‌ها نشان می‌دهد که توانمندی ایران در مهندسی معکوس می‌تواند در درگیری‌های آینده به عاملی مؤثر برای افزایش هزینه‌ها و تحمیل خسارت به طرف مقابل در کل منطقه تبدیل شود. در واقع، مهندسی معکوس دیگر صرفاً ابزاری برای بازتولید تجهیزات نظامی نیست، بلکه به یکی از مؤلفه‌های مهم قدرت دفاعی و تهاجمی ایران تبدیل شده است.

این موضوع با بازسازی سریع زیرساخت نظامی ایران پس از حملات اخیر هم ترکیب می‌شود. وال‌استریت ژورنال در ماه گذشته گزارش داد که تصاویر ماهواره‌ای از بازسازی سریع پایگاه‌های موشکی، تونل‌ها و مراکز تولید ایران حکایت دارد و همین مسئله باعث نگرانی برخی مقام‌های امریکایی شده است. وضعیت پیش برنده کنونی مهندسی معکوس ایران محصول سلسله اقدامات جسورانه‌ای بود که از زمان جنگ کلید خورد. در همان زمان تجهیزات سازمانی ناتو که در اختیار حزب بعث بود، تحت مهندسی معکوس قرار گرفت که تا بعد از سقوط صدام کسی از این اقدام اطلاعی نداشت.

از سلاح‌های کلیدی در دوران دفاع مقدس، موشک ضدتانک «تاو» بود. محدودیت شدید تأمین این موشک ایران را به سمت مهندسی معکوس و تولید داخلی این سلاح سوق داد. پس از جنگ نیز تحریم‌های تسلیحاتی و هزینه بالای خرید تجهیزات از معدود تأمین‌کنندگان خارجی باعث شد ایران به طور جدی مسیر خودکفایی و تولید مستقل تجهیزات نظامی را دنبال کند.

از این رو، مهندسی معکوس نقش مهمی در بومی‌سازی صنایع نظامی نیز داشته است. ایران با بهره مندی از دانش به کار رفته در تسلیحات ضبط شده توانسته نمونه‌های ارتقا یافته آنها را تولید کند و با تلفیق با دانش و توانمندی‌های بومی، نسل جدیدی از تجهیزات و سامانه‌های نظامی را تولید و توسعه دهد.

نمای نزدیک

راه تقویت بنیه دفاعی رهبر شهید را پر قدرت ادامه می‌دهیم

در آستانه ۳۱ مرداد، روز صنعت دفاعی و همزمان با چهلمین روز تشییع و تدفین رهبر شهید انقلاب اسلامی، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح با گرامیداشت یاد و خاطره آن شهید والامقام، بر تداوم راه و آرمان‌های ایشان در تقویت اقتدار دفاعی کشور و تجدید میثاق با رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای (حفظه‌الله) تأکید کرد. در بخشی از این بیانیه تصریح شده است: اکنون در چهلمین روز آن تشییع و تدفین تاریخی، گردهم می‌آییم تا ضمن گرامیداشت یاد و خاطره رهبر شهید انقلاب اسلامی، با رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای (حفظه‌الله)، تجدید میثاق کنیم و بر ادامه راه قائد شهید و تبعیت از رهنمودهای معظم له تأکید دوباره داشته باشیم. میثاق با مسیری روشن و نورانی که برای سربلندی ایران اسلامی و عزت امت اسلام پیموده شده و امروز باید با همان ایمان، استواری و اراده ادامه پیدا کند.

این مراسم در آستانه ۳۱ مرداد، روز صنعت دفاعی، معنایی برای خانواده بزرگ وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح معنایی دیگر دارد. رهبر شهید انقلاب اسلامی در سال‌های مسئولیت و هدایت کشور، همواره توجه ویژه‌ای به تقویت بنیه دفاعی، خوداتکایی و پیشرفت صنعت دفاعی داشتند و بر اعتماد به جوانان، دانشمندان و متخصصان ایرانی و عبور از وابستگی در تأمین نیازهای دفاعی کشور تأکید می‌کردند. بخش مهمی از مسیر پیشرفت صنعت دفاعی کشور، با هدایت و حمایت‌های آن شهید بزرگوار طی شد، مسیری که از خودباوری آغاز شد و به شکل‌گیری ظرفیت‌های گسترده علمی، فناورانه و صنعتی در کشور انجامید. امروز در آستانه روز صنعت دفاعی، گرامیداشت چهلمین روز تشییع و تدفین رهبر شهید، یادآور مسئولیتی است که در برابر این میراث ارزشمند برعهده داریم؛ اینکه راهی را که ایشان برای ساختن قدرت دفاعی کشور ترسیم کردند، با قدرت ادامه دهیم و آن را متناسب با نیازها و تهدیدهای جدید، پیشرفته‌تر و مستحکم‌تر کنیم.

مشاور و دستیار مقام معظم رهبری:

امریکا ایران را از خیابان‌هایش بشناسد نه از گزارش اتاق‌های فکر

خبر

ایران اهل منطق و گفت‌وگوست، اما مذاکره را با تسلیم اشتباه نمی‌گیرد. امریکا ایران را از خیابان‌هایش بشناسد، نه از گزارش اتاق‌های فکرهایش و اگر تصور می‌کند فشار و تحریم می‌تواند اراده این ملت را بشکند، در محاسبات خود تجدیدنظر کند.

محمد مخبر، مشاور و دستیار مقام معظم رهبری در گفت‌وگو با فارس بیان کرد: شهادت امام عزیز ما برای همه ما مصیبتی بزرگ بود، اما در کنار این اندوه، عمق پیوند مردم با قائد شهید و آرمان‌های ایشان آشکار شد. برای من که سال‌های طولانی توفیق همراهی با امام عزیز را داشتم، ایشان عالمی مجاهد، رهبری حکیم، سیاستمداری عمیق و فرماندهی شجاع بود که ایمان، عقلانیت، آرمان‌خواهی، واقع‌بینی و دلسوزی برای مردم را در وجود خود جمع کرده بود که بحمدالله امروز جانشین ایشان نیز همان مسیر را با قدرت و صلابت به پیش می‌برند. وی افزود: برای امام شهید، ایران یک امانت تاریخی بود و استقلال، عزت و امنیت ملت قابل معامله نبود. قائد عزیز، عزت نفس و استقلال ملی را بر آسایش و جان خویش ترجیح داد و همین انتخاب، شخصیت ایشان را در تاریخ ماندگار کرد.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به حضور حماسی مردم در شب‌های گذشته گفت: بعثت مردم در آن روزها به نقطه اکمال رسید. ملت آمد تا با امام خود وداع کند، اما با راه و آرمان او تجدید بیعت کرد. از مردم بصیر و شریف ایران که با چشم‌های اشکبار اما با قامت‌های استوار به میدان آمدند، صمیمانه تشکر می‌کنم و حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای نیز در تمامی پیام‌های خود بر این امر صحه می‌گذارند که کار مردم در میدان‌ها و خیابان‌ها ضامن استقلال جمهوری اسلامی ایران است و به یک حضور صرف ختم نمی‌شود، بلکه بصیرت، ایران‌دوستی و عشق به انقلاب و رهبران آن در این حضورها تجلی یافته است.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به شرایط حساس حاضر تصریح کرد: ایران اهل منطق و گفت‌وگوست، اما مذاکره را با تسلیم اشتباه نمی‌گیرد. امریکا ایران را از خیابان‌هایش بشناسد، نه از گزارش اتاق‌های فکرهایش و اگر تصور می‌کند فشار و تحریم می‌تواند اراده این ملت را بشکند، در محاسبات خود تجدیدنظر کند. مخبر درباره خباثت‌های امریکا در خلیج فارس و همچنین جنایات اخیر رژیم صهیونیستی نیز تأکید کرد: ایران جنگ‌طلب نیست، اما از دفاع از امنیت و عزت و متحدان خود عقب نمی‌نشیند و قطعاً ملت ایران خون شهیدان خود را فراموش نمی‌کند و عدالت درباره عاملان و آمران این جنایت، مطالبه‌ای ملی و میهنی آحاد مردم ایران است. وی با تأکید بر ضرورت وحدت و خدمت به مردم گفت: حل مشکلات مردم نیز یک ضرورت مهم هم‌سنگ و هم‌اندازه دفاع از خاک ایران است و باید با افزایش رضایت در مردم نقشه‌های دشمن را در بعد جنگ شناختی و غیرنظامی نقشه بر آب کرد که این امر نیز شدنی است و با مدیریت جهادی و افزایش بهره‌وری، حتی در شرایط فعلی نیز ممکن است.

روایت مقاومت

روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI.IR

چرا سئول به درخواست ترامپ پاسخ منفی داد؟

دعوت به باتلاق

«صدای ایران»، روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI.IR در سرمقاله شماره ۴۲۲ خود در پاسخ به این سؤال که چرا سئول به درخواست ترامپ پاسخ منفی داد، نوشته است: جنگ‌ها همیشه فقط در میدان نبرد تعیین تکلیف نمی‌شوند؛ گاهی پیامدهای سیاسی و راهبردی یک درگیری، بیشتر از صدای انفجارها واقعیت میدان را آشکار می‌کند. اظهارات اخیر دونالد ترامپ درباره کره جنوبی و تلاش او برای کشاندن این کشور به پرونده جنگ علیه ایران، نشانه‌ای از همین وضعیت است. وضعیتی که نشان می‌دهد واشینگتن پس از هزینه‌های سنگین یک تقابل بزرگ، به دنبال تقسیم بار فشار یا فتن همراهانی برای خروج از شرایط دشوار است.

ترامپ در سخنانی مدعی شد از رئیس‌جمهور کره جنوبی خواسته بود به تلاش‌ها برای آنچه خلع سلاح هسته‌ای ایران می‌نامد، بپیوندد؛ در واقع، دعوتی برای نوعی ورود به جنگ با ایران؛ اما پاسخ سئول منفی بوده است. او پس از آن دستور داد مشارکت امریکا در رزمایش‌های مشترک با کره جنوبی کاهش یابد، تصمیمی که به گفته تحلیلگران ارتباط مستقیمی با عصبانیت او از موضع سئول در قبال ایران دارد.

مسئله اصلی، اما فراتر از یک اختلاف دیپلماتیک میان واشینگتن و سئول است. آنچه امروز در رفتار ترامپ دیده می‌شود، تلاش برای مدیریت تبعات جنگی است که قرار بود با یک پیروزی سریع و کم‌هزینه پایان یابد، اما به باتلاق شکست و تحقیر برای امریکا تبدیل شد. جنگی که نه‌تنها محاسبات اولیه واشینگتن را تغییر داد و ترامپ و متحدش، رژیم صهیونیستی را به اهدافشان نرساند، بلکه هزینه‌های نظامی، سیاسی و بین‌المللی قابل توجهی برای ایالات متحده به همراه داشت.

در چنین شرایطی، طبیعی است که کاخ سفید به دنبال آن باشد تا دیگر کشورها را هم درگیر این پرونده کند، چراکه ورود متحدان می‌تواند از فشار سیاسی و هزینه‌های یک‌جانبه امریکا بکاهد. اما مسئله اینجاست که بسیاری از کشورها حاضر نیستند هزینه تصمیم‌هایی را بپردازند که خود در شکل‌گیری آن نقشی نداشته‌اند. کره جنوبی، به‌رغم وابستگی کامل امنیتی به امریکا، نمونه‌ای روشن از همین رویکرد است، کشوری که نمی‌خواهد در پرونده‌ای وارد شود که پیامدهای آن برایش روشن نیست. نمونه دیگر ماجرا عمان است؛ کشوری که به‌تازگی از سوی ترامپ به بمباران شدید تهدید شده است! چنین تهدیدی، پیش و بیش از هر چیز، نشان‌دهنده استیصال و سردرگمی مستأجر کاخ سفید است.

تجربه سال‌های اخیر نشان داده است که بسیاری از متحدان امریکا، اگرچه روابط نزدیکی با واشینگتن دارند، اما در تصمیم‌های بزرگ نظامی، دیگر صرفاً تابع خواسته‌های کاخ سفید نیستند. کشورها امروز بیش از گذشته براساس منافع ملی خود تصمیم می‌گیرند و حاضر نیستند برای جبران هزینه‌های یک قدرت بزرگ، وارد بحران‌های جدید شوند.

از سوی دیگر، تلاش برای مرتبط کردن موضوع ایران با روابط امریکا و کره جنوبی، خود نشانه‌ای از فشار سیاسی موجود در واشینگتن است. وقتی یک دولت برای توجیه یک تصمیم علیه یک متحد قدیمی، موضوعی کاملاً متفاوت را پیش می‌کشد، می‌توان دریافت که مسئله اصلی فقط یک رزمایش یا یک اختلاف سیاسی نیست، بلکه پای محاسبات بزرگ‌تری در میان است. حدود شش ماه از آغاز تجاوز امریکا و نیروی نیابتی آن در منطقه می‌گذرد و ترامپ در این مدت کشورهای زیادی را به دلیل عدم همراهی در این تجاوز، مورد شماتت و حتی تهدید قرار داده است. کشورهای اروپایی و ناتو از جمله این موارد هستند. در این میان، آنچه برای ایران اهمیت دارد، حفظ همان محاسبه‌ای است که تاکنون براساس آن عمل کرده است؛ تکیه بر توان داخلی، شناخت دقیق از طرف مقابل و گرفتار نشدن در موج هیجانات ناشی از تهدیدات و تطمیع‌ها. ضعف‌های دشمن زمانی به یک فرصت تبدیل می‌شوند که با آمادگی و برنامه‌ریزی همراه باشند. رفتار اخیر ترامپ بیش از هر چیز نشان می‌دهد که جنگ‌ها تنها با شلیک موشک و پرواز جنگنده‌ها اداره نمی‌شوند، بلکه عرصه‌ای برای آزمون اراده سیاسی و توان مدیریت بحران هم هستند. امریکا امروز با مسئله‌ای مواجه است که نمی‌تواند به‌سادگی آن را به دیگران واگذار کند. تلاش برای کشاندن متحدان به این میدان، شاید تلاشی برای سبک کردن بار یک تصمیم پرهزینه باشد، اما بسیاری از کشورها به‌خوبی می‌دانند که ورود به این باتلاق امریکایی-اسرائیلی، فقط سهیم شدن در هزینه‌های شکست است.

گزیده خبر

عضو کمیسیون امور داخلی کشور عنوان کرد

ضرب‌الاجل عراق به امریکا زمینه‌ساز اخراج قدرت‌های فرامنطقه‌ای

حضور و مداخله امریکا در کشورهای منطقه نه‌تنها امنیت‌ساز نبوده، بلکه در بسیاری از موارد به تشدید تنش، بی‌ثباتی و کشتار منجر شده است. از این‌رو کشورهای منطقه باید با اتکا به ظرفیت‌های داخلی و همکاری با همسایگان، امنیت خود را تأمین کنند.

محمد بیات، عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس، در گفت‌وگو با خانه ملت با اشاره به تأکید عراق بر ضرب‌الاجل پایان حضور نظامی امریکا در این کشور گفت: امریکایی‌ها با رویکرد استکباری و مداخله‌جویانه تلاش کرده‌اند در امور کشورهای مختلف جهان دخالت کنند که عراق یکی از نمونه‌های روشن این سیاست است.

عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس شورای اسلامی اظهار کرد: تجربه حضور امریکا در کشورهای مختلف نشان داده است که واشنگتن نه‌تنها نتوانسته امنیت و ثبات پایدار ایجاد کند، بلکه در بسیاری از موارد با مداخله نظامی و سیاسی خود زمینه‌ساز کشتار، تنش و بی‌ثباتی شده است. وی بیان کرد: امروز بسیاری از ملت‌ها و دولت‌های منطقه به این واقعیت پی برده‌اند که حضور نیروهای بیگانه نمی‌تواند ضامن امنیت آنها باشد و امنیت پایدار باید با اتکا به ظرفیت‌های داخلی و همکاری کشورهای منطقه تأمین شود. نماینده مردم خمین در مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: تأکید عراق بر پایان حضور نظامی امریکا در این کشور را می‌توان نشانه‌ای از افزایش مطالبه برای استقلال و حاکمیت ملی دانست و بدون تردید خروج امریکا از عراق یک شکست و افتضاح سیاسی برای ایالات متحده به‌شمار می‌رود، چراکه واشینگتن سال‌ها تلاش کرد حضور خود را در منطقه با ادعای تأمین امنیت توجیه کند. انتظار می‌رود کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس نیز با درس گرفتن از تجربه عراق، درباره حضور نیروهای امریکایی در کشورهای خود بازنگری کنند و بدانند که تأمین امنیت منطقه با تکیه بر قدرت‌های فرامنطقه‌ای امکان‌پذیر نیست. در واقع امریکا خود یکی از عوامل اصلی ایجاد تنش و ناامنی در منطقه است و نمی‌توان از کشوری که سابقه طولانی در مداخله و حضور نظامی در کشورهای منطقه دارد، انتظار داشت که تأمین‌کننده امنیت پایدار باشد.

عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس شورای اسلامی بیان کرد: جمهوری اسلامی ایران بارها اعلام کرده است که کشورهای منطقه باید آزاد، مستقل و برخوردار از حاکمیت ملی باشند و مسائل امنیتی منطقه نیز باید با مشارکت کشورهای منطقه و بدون دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای حل‌وفصل شود. وی خاطرنشان کرد: کشورهای منطقه با تقویت وحدت، انسجام و همکاری‌های مشترک و با تکیه بر مشترکات اسلامی و ظرفیت‌های بومی می‌توانند امنیت منطقه را خودشان تأمین کنند و اجازه ندهند قدرت‌های خارجی از شرایط موجود برای پیشبرد اهداف خود بهره‌برداری کنند.